

اجتماعی هستند.



**بیژن عبدالکریمی:** حرف من و آقای دکتر تعارض نداشت، آقای دکتر می‌گویند سرمایه اجتماعی و من هم می‌پذیرم که هست. منتها حرف من این است که باید شرایطی فراهم شود این سرمایه اجتماعی به کار بیاید. این مردان و زنان شریف باید در یک بستری باشند و متأسفانه این بستر وجود ندارد.

**احمد زیدآبادی:** الان بحث ما انتخابات است و این تحلیل خوش را می‌خواهد. داستان این است که من مدت‌های زیادی می‌گفتم که سیستم را دست خودشان بدهیم، ببینیم چه کار می‌کنند چون اینها نمی‌گذارند کسی کار کند. حالا این را دست خودشان بدهیم دو تعبیر داشت. یکی اینکه دست خودشان بدهیم که همه چیز خراب شود که من هیچ‌وقت دنبال این نبودم و با این انگیزه نمی‌گفتم. تصور این بود که وقتی کسی صاحب قدرت است و ابزارها را دارد اما درگیر مشکلات اجرایی نیست و نمی‌گذارد کسی هم کار اجرایی کند، خب خودش را بیاندازیم در کار اجرایی تا بفهمد چیست و این اتفاقی بود که ۱۴۰۰ افتاد. حالا آیا آن چیزی که من دنبالش بودم محقق شده است و در سیستم افرادی فهمیدند که کار به سادگی نیست؟ تا قبل از فوت آقای رئیسی همه می‌گفتند که مشکلات اقتصادی فراوان است اما به مجردی که این حادثه اتفاق افتاد، انگار دیگر این مشکلات حل شد و دیگر وجود ندارد. ولی به‌رغم این کسانی به نظر می‌آید در داخل سیستم متوجه شده‌اند که داستان به این سادگی‌ها هم نیست و بحران اینقدر بزرگ است که اگر شما برایش راهکار نداشته باشید، ممکن است همه چیز را کن‌فیكون کند و شوخی‌بردار نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند همه اجزاء جامعه را کنترل کند. وقتی مشکلات انباشت می‌شود، مثل سیل می‌آید و همه چیز را ویران می‌کند.

**کیومرث اشتریان:** مشکل این است که هزینه یادگاری بعضی از این آقایان را می‌دهند.

**احمد زیدآبادی:** بله این بدبختی است. بحث این است که آرایشی که کاندیداها پیدا کرده‌اند، علامت این است که سیستم واقعاً می‌خواهد روزنه بگشاید و با اینکه دوباره در انتخابات مجلس قبلی مشارکت پایین بوده و این‌ها رنگ خطر را به صدا درآورده و الان می‌خواهند کاری کنند این مشارکت بالا برود، بعد هم کار را خودمان کنیم؟ ما الان نمی‌دانیم منظور چیست. برای همین من می‌گویم باید در ابتدا کشف کنیم که دکتر پزشکیان برای چه تایید شده است؟ تایید شده که یک بخشی را به انتخابات بکشند و بعد مشارکت بالا برود یا این هم در نظر گرفته‌شده که ممکن است ایشان رای بیاورد و اگر رای بیاورد می‌خواهد کار کند؟ من احساس می‌کنم اگر بخشی از مردم احساس کنند که این کلاه‌گذاری است، خیلی حس تحقیر به آنها دست می‌دهد و در واکنش به این موضوع، در انتخابات شرکت نخواهند کرد اما یک تعداد دیگر ممکن است بگویند نوعی صحنه‌آرایی کردند که فالانی را دربیاروند و ما می‌خواهیم بازی را به‌هم بزینم، پس یکی دیگر را انتخاب می‌کنیم که فکرش را نمی‌کردند. ولی ما به‌عنوان افرادی که دنبال این هستیم که با کمترین هزینه برای جامعه راهی باز شود، یک تجربه را از قبل داریم. تجربه آدم‌هایی که در مقام ریاست‌جمهوری، مردم به آنها رای دادند که بالا بروند و با مقام بالاتر وارد یک نوع چالش شوند. این جواب نداده و نمی‌تواند جواب دهد. تکرار این که فایده ندارد. اگر قرار است فرمولی باشد، باید کسی برود که آنجا کار را فوراً به‌منزاع نکشد که به این نتیجه برسند که باید فلج شود. بعد مثل آقای روحانی نگذارند در حوزه‌های داخلی و خارجی کار کنند و بعد بگویند نتوانست کار کند؛ درحالی‌که اگر دستش باز بود خیلی کار از دستش برمی‌آمد. اگر الان من به این نتیجه برسم که سیستم حاضر است با آقای پزشکیان با همین ادبیاتی که دارد کار کند و نگذارد افرادی کارشکنی کنند، راهی که باز خواهد کرد تا از طریق تعامل، یک مقدار پایگاه سیستم به سمت نیروهای میانه‌روتر برود، رای خواهم داد. اگر پزشکیان تایید شده که در صورت رای آوردن کابینه متخصص تشکیل دهد و کار کند، این یک گام رو به جلو است اما اگر سیستم آمادگی نداشته باشد و پزشکیان را آورده باشد فقط مشارکت بالا برود و یا اگر هم رای آورد نگذارند کار کند، به بن‌بست خواهد خورد.

**کیومرث اشتریان:** من در نوبت خودم اولاً یک تشکر از دکتر آزادارمکی‌کنم که قبلاً یک حرفی را در تلویزیون زد و برای من آموزنده بود و الان هم دوباره گفت. اینکه به‌عنوان یک جامعه‌شناس به من امید داد که این جامعه زنده است، این جامعه را دست‌کم نگیرید. این خیلی برای من آموزنده بود و خودم متنبه شدم. این حرف‌های کارشناسی امیدبخش است. وقتی هم دکتر عبدالکریمی و من گفتیم جامعه توده‌وار، منظور این است که قدرت را از توده‌ای نبیند و توده‌ای نکند و این را قبول و شناسایی کند. سازوکارهایی فراهم کند که روی این رگه‌های مختلف اجتماعی خاک نریزد. این رگه‌ها شناسایی شوند و هویت‌شان را به رسمیت

بشناسیم. من جایی گفته‌ام که در این جامعه هر‌گه وجود دارد و می‌شود ۵حزب سیاسی شکل داد. نکته دوم اینکه نظام جمهوری اسلامی بعد از این می‌خواهد چه کار کند؟ دولت بعدی که می‌خواهد سرکار بیاید، باید تغییری ایجاد شود. من شنیدم حتی دولت آقای رئیسی هم می‌خواست در برجام کاری کند، در آن هم کارشکنی می‌شده است. بنابراین امیدواریم دولت جدید که سرکار آمد راه برایش باز شود، اینقدر اجازه ندهیم درون نظام دل و روده‌اش را به‌هم ببیچند. این عقب‌نشینی از آرمان‌های اصلی هم نیست. قرار نیست که یک سرمساری ملی داشته باشیم. امیدواریم که از این سه سال دوستان به اندازه کافی هرچند به‌گرانی تجربه را کسب کرده باشند. برخی از دوستان درک‌شان از اجرا خیلی ساده است و به قیمت ضرر کردن ملت یاد می‌گیرند. جان کلام اینکه هر کسی قرار است سرکار بیاید، راه او باز شود. عذرخواهی می‌کنم‌قای دکتر شما بفرمایید.

**بیژن عبدالکریمی:** دیگر با گفتمان‌های سابق نمی‌توان ادامه داد و ضرورت دارد که تغییر گفتمان داشته باشیم. به‌عنوان یکی از علاقه‌مندان به گفتمان انقلاب باید بگویم که این گفتمان یک مقدار بوی نای گرفته است و نیازمند تجدید سازمان و بازآفرینی مفهومی است. دیگر با منطق گذشته نمی‌تواند حرکت کند. فکر می‌کنم اپوزیسیون ما و نیروهایی که نقد اجتماعی رادیکال هم دارند، باید واقعیت‌هایی مثل تاثیر نظام سلطه در وضعیت‌مان و پیچیدگی مسائل را بپذیرند. اینکه ما یک جامعه توسعه‌نایافته هستیم و یک جامعه توسعه‌نایافته صرف‌نظر از اینکه چه کسی آن بالا باشد، معضلات خاصی دارد. یعنی بیش از اینکه مسئله ما سیاسی باشد، مسئله این است که ما جامعه شبه‌مدرن را چطور می‌توانیم به جامعه مدرن تبدیل کنیم. جامعه شبه‌مدرن بالذات ضدتوسعه است و فرقی ندارد چه کسی آن بالا باشد. این تحولات ساختاری را باید بیشتر درباره آن فکر کرد. با آقای دکتر آزاد کاملاً موافقم که ما سرمایه اجتماعی و پتانسیل زیادی داریم. اینکه بچه‌های ما صبح تا شب در فضای مجازی بحث می‌کنند، پتانسیل عظیم اجتماعی است. من به‌عنوان معلم فلسفه به حاکمیت تذکر می‌دهم که این فریدت‌گرایی، بی‌تفاوتی و مرگ ما سیاسی هنوز در جامعه ما روی نداده است. می‌توان این را به فرصت تبدیل کرد، این را تهدید امنیتی نبینیم. این هنر در قدرت سیاسی بالغ است که بتواند این پتانسیل را تبدیل به امر اثربخش مثبت اجتماعی کند نه اینکه آن را با سرکوب تبدیل به تهدید اجتماعی کند. نکته بعدی اینکه ما از مردم چه می‌خواهیم؟ مشارکت و شرکت. اگر از من عبدالکریمی می‌خواهید در ساختار مشارکت داشته باشیم، لازمه‌اش این است که به اندیشه من احترام بگذارید. شما نمی‌توانید بگویید شرکت داشته باشید اما مشارکت نکنید. به تعبیر یکی از فیلسوفان، سوژه ابژه نخواهد شد. با انسان نمی‌توان مانند شیء برخورد کرد. جامعه مومی نیست که بتوان هر کاری با آن کرد، جامعه منطقی خوش‌را دارد. اگر می‌خواهید از سرمایه اجتماعی استفاده کنید و باید از آن استفاده کنیم، اگر می‌خواهید در برابر نظام سلطه مقاومت کنید و اقتصاد مقاومتی داشته باشید، به سهولت نمی‌توانیم. ما اگر در جبهه‌های جنگ درخشیدیم به برکت حمایت مردم بود و امروز بخش زیادی از جامعه به‌خصوص طبقه متوسط در حالت قهر قرار گرفته است. حرف من این است؛ اولاً به روشنفکران و مردم می‌گویم برای حل مسائل کشور هیچ دکمه خاموش و روشنی وجود ندارد، لذا انتظارات‌شان از کاندیداها به هیچ‌وجه انتظارات بالایی نباشد. نوع مسائل ما براساس درکی که من دارم، چنین نیست که کسی که روی کار می‌آید بتواند معجزه کند. من از کاندیداها و به‌خصوص آقای پزشکیان می‌خواهم به مسئله مقاومت در برابر آمریکا به دو جهت توجه کند. ما راه دیگری جز مقاومت نداریم. یعنی اگر فکر کنیم که با آمریکایی‌ها دست بدهیم، کار تمام است اینطور خواهد بود. همین که دست دراز کنیم، پایش را دراز خواهد کرد و از ما انتظار می‌کشد که دراز بکشیم و تسلیم مطلق شویم. این سرشت وضعیت‌کنونی است. برخلاف تصور برخی که این را ناشی از شیطنت گفتمان انقلاب می‌دانند، به این جهت در کنار گفتمان انقلاب ما راهی جز گفتمان مقاومت نداریم، از آقای پزشکیان به دو دلیل می‌خواهم این را به رسمیت بشناسند. اولاً اگر به رسمیت نشاسند، گفتمان انقلاب تمام هستی اجتماعی تاریخی‌اش به خطر خواهد افتاد و چوب لای چرخش خواهند گذاشت اما اگر این را به رسمیت بشناسند، می‌تواند نیروها را در دست خودش داشته باشد و تجربه آقای روحانی و آقای خاتمی را تکرار نکند. **احمد زیدآبادی:** من در این قسمت یک دخالتی کنم، یعنی توصیه به این است که همین حالا کارش تمام است اگر رئیس‌جمهور شود.

**بیژن عبدالکریمی:** کارش به چه معنا؟ **احمد زیدآبادی:** نوع تحلیلی که شما از روابط بین‌الملل می‌دهید و لزوم مقاومت در برابر نظام سلطه را می‌گویید، یعنی یک بحران دائمی و نابود شدن تمام منابع کشور

پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۳  
سال سوم، شماره ۵۲۹  
www.hammihanonline.ir

خواهد بود.

**بیژن عبدالکریمی:** ما اگر بخواهیم انسجام ملی شکل دهیم، باید بچه‌های گفتمان انقلاب توجه کنند که بدون توجه به آن قسمت جامعه که قهر کرده‌اند، نمی‌توان مقاومت کرد و روشنفکران هم باید بدانند به میزانی که شکاف را دامن می‌زند، تحریم‌ها و فشار بیشتر خواهد شد. اگر بتوانیم انسجام و وفاق را ایجاد کنیم، فشارها بر ملت کم خواهد شد.

**احمد زیدآبادی:** این وفاق ملی فقط در صورتی پیش خواهد آمد که شما ابتدا بتوانید گشایش اقتصادی ایجاد کنید. گشایش اقتصادی بدون رفع تحریم صورت نخواهد گرفت، رفع تحریم هم بدون گفت‌وگو و تعامل انجام نمی‌شود. در این دنیا ۲۰۳ کشور وجود دارد که ۹۸ درصد رابطه عادی دارند و تحت سلطه نیستند.

**بیژن عبدالکریمی:** آقای دکتر کتاب جدید من «گفتمان انقلاب در سه روایت» را بخوانید. من در آنجا توضیح دادم که چرا ما در شرایط خاصی هستیم.

**احمد زیدآبادی:** این طرز تفکر ما را نهایتاً کنار آقای جلیلی می‌نشانند. هیچ راه دیگری هم ایجاد نمی‌کند. آن چیزی که من فکر می‌کنم عموم مردم می‌خواهند و طرفدارش هستند یک زندگی عادی و شرافتمندانه است. هیچ‌کس خواهان این نیست که کشور زیر بار زور نامشروع برود. اما اکثریت هم نگاه‌شان به جهان این نیست که یک غول بی‌شاخ و دم وحشی آنجا ایستاده و همه را رها کرده و فقط به اینجا چسبیده که شما را از بین ببرد. نه بقیه هم رابطه دارند و تعامل می‌کنند.

**بیژن عبدالکریمی:** من نمی‌خواهم در اینجا بحث کنم اما در واقع کنار آمدن با آمریکایی‌ها مسئله ساده‌ای نیست. ما در شرایط پیچیده‌ای هستیم. اگر می‌خواهد کارشکنی‌هایی که بخشی از نیروهای انقلاب درباره آقای روحانی و خانمی صورت دادند و نمی‌خواهد آن تجربه را تکرار کند، یک مقدار این وجه را جدی بگیرد. یک مقدار انسجام ملی را شکل دهد و باید به خاطر این هزینه دهد. از تندرهای انقلاب هم می‌خواهم اجازه دهند به‌خاطر اینکه بتوانیم فشار نظام سلطه را کم کنیم، انسجام شکل بگیرد. آقای دکتر، این گفتمانی که شما می‌گویید، اگر قرار باشد نسبت به مسئله امریکا فکر کنیم به سهولت کنار می‌آییم، شکاف باقی خواهد ماند. من راه‌حلم این است که وفاق ملی را جدی بگیریم، اگر این را می‌خواهیم جدی بگیریم بچه‌های انقلاب هم دلالی دارند. اینها فعال‌ترین و نیرومندترین نیروی اجتماعی تاریخ ما هستند و دغدغه دارند.

**احمد زیدآبادی:** در سطح استراتژیک به آنها توجه می‌کنید اما در سطح تبیین ماجرا شما دچار مشکل هستید. یک‌بار می‌گویید یک نیروهایی هستند که مخالف آمریکا هستند، منافع‌شان در این است و اینها قدرتمند هستند.

**بیژن عبدالکریمی:** آقای دکتر به منافع تقلیل ندهید. **احمد زیدآبادی:** همه چیز مربوط به منافع است، حالا این منافع یا مشروع و یا نامشروع است.

**بیژن عبدالکریمی:** جنبش مدنی جامعه ما و نیروهای گفتمان انقلاب باید بتوانند نیروهای منفعت‌طلب که پشت گفتمان انقلاب پنهان شده‌اند را کنار بگذارند. من موافقم که نیروهای فرصت‌طلبی وجود دارند که از این تحریم‌ها نان درمی‌آورند. منتها بخش نقاد جامعه ما و نیروهای گفتمان انقلاب باید در یک گفتمان ملی شرکت کنند. بخشی از مبارزه ما با آمریکایی‌ها حق است و پشت این وجه حق افراد فرصت‌طلب هم هستند. برای اینکه بتوانیم صحنه را از آنها بگیریم و بر حول امر ملی مسئله را پیش ببریم، نیاز داریم تنش‌ها کم شود وگرنه شرایط به همین وضعیت ادامه پیدا می‌کند و این برای توده‌های وسیع که زیر چرخ‌دنده‌های وضعیت کنونی له می‌شوند به‌هیچ‌وجه خوب نیست. ما بحث نمی‌کنیم صرفاً برای اینکه بحث کنیم. دنبال راه حل عملی هستیم. اگر می‌فرمایید پتانسیل اجتماعی وجود دارد، بخشی از این پتانسیل اجتماعی بچه‌های گفتمان انقلاب هستند.

**تقی آزادارمکی:** من فکر می‌کنم آمریکای امروز آمریکای امپریالیسم جهانی نیست، اگر آن آمریکا بود که امروز بایدن رئیس‌جمهورش نبود. اینها چیزهایی است که ما از گفتمان دهه شصت انقلاب اسلامی گرفته‌ایم و از آن درمی‌آییم. مگر در گفتمان انقلاب نمی‌گویند آمریکا در حال فرو ریختن است؟ وقتی در حال فرو ریختن است این همه زور برای چیست؟ جامعه ایرانی جهانی‌ترین جامعه جهانی است. مردم ایرانی جهانی هستند، می‌خواهند زندگی آرام داشته باشند. شما فکر نکنید قدرت فاهره منسجمی وجود دارد که فقط یقه ما را گرفته است. ما با توهم آمریکا زیست می‌کنیم. توهم آمریکا چیز عجیبی است اما قصه عوض شده است. خیلی ساده است، از اینجا بیرون برویم. بهترین نقطه ایران که جامعه تهران را نمایندگی می‌کند همین چهارراه ولیعصر است. ببینید این چهارراه چقدر به وسیله نیروهای انتظامی اشغال شده است. این چهارراه یکی از جاندارترین جاهای جامعه ایرانی است. این چهارراه را به چه سرنوشتی دچار کرده‌اند. وقتی می‌گویم مشکل داریم یکی همین موضوع است. ما با جامعه‌مان دشمنی داریم.

ما اگر بخواهیم انسجام ملی شکل دهیم، باید بچه‌های گفتمان انقلاب توجه کنند که بدون توجه به آن قسمت جامعه که قهر کرده‌اند، نمی‌توان مقاومت کرد و روشنفکران هم باید بدانند به میزانی که شکاف را دامن می‌زند، تحریم‌ها و فشار بیشتر خواهد شد. اگر بتوانیم انسجام و وفاق را ایجاد کنیم، فشارها بر ملت کم خواهد شد.

**احمد زیدآبادی:** این وفاق ملی فقط در صورتی پیش خواهد آمد که شما ابتدا بتوانید گشایش اقتصادی ایجاد کنید. گشایش اقتصادی بدون رفع تحریم صورت نخواهد گرفت، رفع تحریم هم بدون گفت‌وگو و تعامل انجام نمی‌شود. در این دنیا ۲۰۳ کشور وجود دارد که ۹۸ درصد رابطه عادی دارند و تحت سلطه نیستند.

**بیژن عبدالکریمی:** آقای دکتر کتاب جدید من «گفتمان انقلاب در سه روایت» را بخوانید. من در آنجا توضیح دادم که چرا ما در شرایط خاصی هستیم.

**احمد زیدآبادی:** این طرز تفکر ما را نهایتاً کنار آقای جلیلی می‌نشانند. هیچ راه دیگری هم ایجاد نمی‌کند.

آن چیزی که من فکر می‌کنم عموم مردم می‌خواهند و طرفدارش هستند یک زندگی عادی و شرافتمندانه است.

هیچ‌کس خواهان این نیست که کشور زیر بار زور نامشروع برود. اما اکثریت هم نگاه‌شان به جهان این نیست که یک غول بی‌شاخ و دم وحشی آنجا ایستاده و همه را رها کرده و فقط به اینجا چسبیده که شما را از بین ببرد. نه بقیه هم رابطه دارند و تعامل می‌کنند.

**بیژن عبدالکریمی:** من نمی‌خواهم در اینجا بحث کنم اما در واقع کنار آمدن با آمریکایی‌ها مسئله ساده‌ای نیست.

ما در شرایط پیچیده‌ای هستیم. اگر می‌خواهد کارشکنی‌هایی که بخشی از نیروهای انقلاب درباره آقای روحانی و خانمی صورت دادند و نمی‌خواهد آن تجربه را تکرار کند، یک مقدار این وجه را جدی بگیرد. یک مقدار انسجام ملی را شکل دهد و باید به خاطر این هزینه دهد.

از تندرهای انقلاب هم می‌خواهم اجازه دهند به‌خاطر اینکه بتوانیم فشار نظام سلطه را کم کنیم، انسجام شکل بگیرد. آقای دکتر، این گفتمانی که شما می‌گویید، اگر قرار باشد نسبت به مسئله امریکا فکر کنیم به سهولت کنار می‌آییم، شکاف باقی خواهد ماند. من راه‌حلم این است که وفاق ملی را جدی بگیریم، اگر این را می‌خواهیم جدی بگیریم بچه‌های انقلاب هم دلالی دارند. اینها فعال‌ترین و نیرومندترین نیروی اجتماعی تاریخ ما هستند و دغدغه دارند.

**احمد زیدآبادی:** در سطح استراتژیک به آنها توجه می‌کنید اما در سطح تبیین ماجرا شما دچار مشکل هستید. یک‌بار می‌گویید یک نیروهایی هستند که مخالف آمریکا هستند، منافع‌شان در این است و اینها قدرتمند هستند.

**بیژن عبدالکریمی:** آقای دکتر به منافع تقلیل ندهید. **احمد زیدآبادی:** همه چیز مربوط به منافع است، حالا این منافع یا مشروع و یا نامشروع است.

**بیژن عبدالکریمی:** جنبش مدنی جامعه ما و نیروهای گفتمان انقلاب باید بتوانند نیروهای منفعت‌طلب که پشت گفتمان انقلاب پنهان شده‌اند را کنار بگذارند.

من موافقم که نیروهای فرصت‌طلبی وجود دارند که از این تحریم‌ها نان درمی‌آورند. منتها بخش نقاد جامعه ما و نیروهای گفتمان انقلاب باید در یک گفتمان ملی شرکت کنند.

بخشی از مبارزه ما با آمریکایی‌ها حق است و پشت این وجه حق افراد فرصت‌طلب هم هستند.

برای اینکه بتوانیم صحنه را از آنها بگیریم و بر حول امر ملی مسئله را پیش ببریم، نیاز داریم تنش‌ها کم شود وگرنه شرایط به همین وضعیت ادامه پیدا می‌کند و این برای توده‌های وسیع که زیر چرخ‌دنده‌های وضعیت کنونی له می‌شوند به‌هیچ‌وجه خوب نیست.

ما بحث نمی‌کنیم صرفاً برای اینکه بحث کنیم. دنبال راه حل عملی هستیم. اگر می‌فرمایید پتانسیل اجتماعی وجود دارد، بخشی از این پتانسیل اجتماعی بچه‌های گفتمان انقلاب هستند.

**تقی آزادارمکی:** من فکر می‌کنم آمریکای امروز آمریکای امپریالیسم جهانی نیست، اگر آن آمریکا بود که امروز بایدن رئیس‌جمهورش نبود.

اینها چیزهایی است که ما از گفتمان دهه شصت انقلاب اسلامی گرفته‌ایم و از آن درمی‌آییم. مگر در گفتمان انقلاب نمی‌گویند آمریکا در حال فرو ریختن است؟ وقتی در حال فرو ریختن است این همه زور برای چیست؟

جامعه ایرانی جهانی است. مردم ایرانی جهانی هستند، می‌خواهند زندگی آرام داشته باشند. شما فکر نکنید قدرت فاهره منسجمی وجود دارد که فقط یقه ما را گرفته است.

ما با توهم آمریکا زیست می‌کنیم. توهم آمریکا چیز عجیبی است اما قصه عوض شده است. خیلی ساده است، از اینجا بیرون برویم.

بهترین نقطه ایران که جامعه تهران را نمایندگی می‌کند همین چهارراه ولیعصر است. ببینید این چهارراه چقدر به وسیله نیروهای انتظامی اشغال شده است. این چهارراه یکی از جاندارترین جاهای جامعه ایرانی است.

این چهارراه را به چه سرنوشتی دچار کرده‌اند. وقتی می‌گویم مشکل داریم یکی همین موضوع است. ما با جامعه‌مان دشمنی داریم.

نگاه تحلیلیگر

## یک گام به پیش



**علیرضا علوی‌تبار**

نویسنده و نظریه‌پرداز سیاسی

**۱-** ایران نیازمند «اصلاحات بنیادی» است. مشکلات در هم پیچیده و تثبیت‌شده ایران که هر کدام با فشار و حمایت «گروه ذی‌نفع» قدرتمندی تداوم‌یافته‌درمقابل هر راه‌حلی مقابله می‌کند، با تغییر برخی از مسئولان سیاسی و برخی از راهبردها و خطمشی‌ها قابل حل نیستند. باید نظام تصمیم‌گیری و اداره امور عمومی به‌گونه‌ای بنیادی تغییر کند. حداقل تغییرهای ضروری همان است که در بازنده محور بنیابه آقای سیدمحمد خاتمی آمده است.

**۲-** اصلاحات بنیادی هنگامی به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز در کشور تحقق خواهد یافت که نخست در درون حکومت درکی از این واقعیت پیدا شود که تداوم وضع موجود منجر به «بحران» و در نهایت «فاجعه» خواهد شد. پس از پیدایش این درک، گرایش برای «بهبودخواهی حکومتی» شکل بگیردو آمادگی پذیرش تغییر پدید آید، حداقل با هدف بقای بلندمدت. از سوی دیگر، نیروهای اجتماعی دگرگونی خواه بتوانندسازمان‌یافته‌ومنضبط و با «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه»، جنبش اجتماعی قدرتمندی را بسازند که برای همه ابزارهای مسالمت‌جویانه پیش بریند. با همسوئی این دو (بهبودخواهی حکومتی و جنبش اجتماعی)، در نقطه‌ای، توافقی ملی برای دگرگونی مسالمت‌آمیزو کم‌هزینه‌شکل می‌گیردواهسته وپیوسته در مسیری پرسنگلاخ پیش می‌رود.

**۳-** ریاست قوه مجریه در بهترین وضعیت حدود بیست درصد اختیار و اقتدار برای تصمیم‌گیری کلان در کشور خواهد داشت. در حالی که در واقعیت مدت‌هاست که بخشی از اختیارات ریاست جمهوری از او گرفته شده است. سکنداری سیاست خارجی، هدایت اصلی‌ترین دستگاه امنیتی کشور، ریاست بر نیروی انتظام‌بخش جامعه (که به غلط نیروی نظامی تصور می‌شود) و... از جمله این اختیارات‌هستند. رئیس‌جمهوریدون‌بارگشت این اختیارات بسیار ضعیف‌تر از تعریف رسمی است که از او می‌شود. به‌ویژه اگر با مجلسی مواج باشیم که در فرآیندی بیشتری شبیه به انتصاب و نه انتخاب، شکل گرفته است، با محدودیت دشواری بیشتری در تصمیم‌گیری توسط رئیس‌جمهور روبرو خواهید بود. مجلسی که به‌واقع نماینده همه مردم باشد، قدرت رئیس‌جمهور را به‌شدت افزایش می‌دهد.

**۴-** آیا‌معنای این سخنان بی‌توجهی به انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو است؟ خیر. عبور یکی از نامزدهای مهم‌ترین تشکل اصلاح‌طلبان از سد شورای نگهبان، فرصتی را پدید آورده است که باید حداکثر بهره‌گیری را از آن کرد. در این زمینه می‌توان به چند محور توجه کرد:

الف. نظام اداره امور عمومی در ایران، نظامی ایستا و فاقد کشمکش و تعارض درونی نیست. اگر تغییری در بخشی از این نظام (سیستم) اتفاق بیافتد، هماهنگی میان بخش‌های مختلف را دچار اختلال می‌کند و مانع می‌شود که با بخشی «بازتولید» خود در بخش‌های دیگر مشکلات را تثبیت کرده و تداوم ببخشد. به علاوه دگرگونی در یک بخش از سیستم به انتقال دگرگونی به بخش‌های دیگر یاری می‌رساند. به‌بیان‌روشن‌تر یک تغییر (حتی کوچک) در شرایطیک سیستم بویا دارای تعارض درونی، می‌تواند به تغییرات بیشتر و بزرگ‌تر منجر گردد. بنابراین از هر تغییری، حتی کوچک، باید استقبال کرد.

ب. می‌توان این انتخابات را به فرصتی برای «احیای گفتمان جمهوریت، تبدیل کرد. فعالیت در این انتخابات می‌تواند به فرصتی برای آموزش و تقویت اعتمادبه‌نفس «جمهور» تبدیل شود. بایروری در این انتخابات می‌توان «امید» را بازسازی کرد و از مردم منفعل و درمانده، شهروندانی ذی‌حق و مسئول ساخت. باید به مردم آموخت که خشم چیزی را تغییر نمی‌دهد، تلاش است که به دگرگونی منجر می‌شود. تلاش برای همراه کردن دیگران با خود و برداشتن گام‌های منسجمیده با باز نگه داشتن چشم‌ها. فرصت انتخابات، فرصتی بسیار مناسب و کم‌هزینه‌برای تبدیل «خشم» به «تلاش دسته‌جمعی» است. مردم درمانده، ناامید، خسته و خشمگین فقط برای تخریب به‌کار می‌آیند؛ ایران دیگر تحمل تخریب و خشم‌رها شده را ندارد. باید تمرین کنیم و چه فرصتی بهتر از این.

پ. درست است که حداکثر اختیار و اقتدار ریاست جمهوری بیست درصد از نظام تصمیم‌گیری است، اما بیست درصد کم نیست. می‌توان با داشتن نیم قدرتمند و کاردان بخشی از مصائب مردم را کم کرد. تغییر را می‌توان از حوزه‌هایی شروع کرد که مقاومت کمتری در آن‌ها وجود دارد. می‌توان به‌جای تغییرات پر سروصدا، به تغییرات کوچک‌ا اما ماندگار اندیشید. این کار نیازمند اداره جمعی امور است. تصور این‌را که می‌توان از طریق انتخابات پیش‌برده همه اهداف رسید، باید کنار گذاشت. اما این انتخابات را باید جدی گرفت و با مشارکت در آن هم خودمان را ارتقاء دهیم، هم گفتمان سیاسی را و هم زمین‌ساز دگرگونی‌های آهسته‌وپیوسته‌آینده شویم.